



## بهاران خجسته باد

درست اندیشی و زیبا کرداری است. بدین روی با کوشش فراوان توانستیم که روی ماهنامه خودمان را با عکس های سران انجمن ها بیاراییم.

هرگاه بر می گردم به گذشته ی آزمایشگاه ها در این سه دهه می اندیشم، شتاب پیشرفت در فن آوری آزمایشگاه ها به راستی سرسام آور بوده است. بیشتر نشدنی ها شدنی شده است. در شهر کوچکی در کمتر از چند ساعت آزمایش هایی انجام می شود، که یک زمانی حتا در آمریکا و اروپا تنها یک آرزو بود. شمار و شایندگی آزمایش ها هر روز بیشتر می شود و وزنه ی آزمایشگاه در تشخیص سنگین تر و سنگین تر می شود. به گونه ای که هم اکنون می توان گفت بی آزمایشگاه، تشخیص بیماری ناشدنی است. با این همه، آزمایشگاهیان همواره با پدیده ای به نام "تعیین تعرفه" دست به گریبانند. کیت های روزمره گران شده است، دستمزدها بالا رفته است، هزینه های روزانه چند برابر شده است، اما سرنوشت نرخ های آزمایش ها همچنان نامشخص! گرچه انجمن های آزمایشگاهی همراه با رادیولوژی، در زمستان پارسال در این باره هماهنگ شدند و افزایشی در مرز پایینی تورم را پذیرفتند و قرار شد که از بهمن آغاز کنند. اما حتا در تهران هم، در همه ی آزمایشگاه ها اجرا نشد. به هر روی، آزمایشگاه ها (به ویژه آزمایشگاه های بزرگ) اگر از آغاز سال نرخ های پذیرفته شده انجمن ها را اجرا نکنند، راهی جز بستن آزمایشگاه ها در پیش ندارند.

نوروز را پشت سر گذاشتیم و در آستانه ی روز آزمایشگاهیان هستیم. روز آزمایشگاهیان همانند روزهای دیگر یک روز است و تنها ویژگی آن این است که می توان به سرگذشت آزمایشگاهیان در سال گذشته پرداخت. در شماره ی پیش درباره ی گزینش اندام های سازمان نظام پزشکی سخن رانیدیم. رویهم رفته گرچه انتخاب های نظام پزشکی بهینه نبود ولی دست کم نمره ی پذیرفتنی گرفت. یکی از برجسته ترین کاستی آن پذیرفته نشدن نامزدی برخی از چهره های پویانده و آشنا بود. گرچه این کاستی به راستی پرسش برانگیز است، اما بدتر از آن پذیرفته شدن برخی نامزدهایی است که در سال های پیش در دادگاه نظام پزشکی هم محکوم شده بودند (دست کم یک نفر را خودم می شناسم که در دادگاه تجدید نظر هم محکوم شده است، گرچه خوشبختانه رای هم نیاوردند). از دید بیشتر همکاران، پایه ی تایید شدن یا نشدن پیشینه بزهکاری و یا پرونده ی ناروای نظام پزشکی است، و نه چیز دیگر.

روز آزمایشگاه بهانه ای است که ما دوباره در دلد های خود را در باره ی روایی و ناروایی های همکاران خود باز گویی کنیم. در کشورهای در روند پیشرفت مانند ما که رنگ باید یا سیاه باشد یا سپید، راست نویسی به راستی دشوار است. زیرا هم از همکاران رودر بایستی داریم و هم از بدتر از آن، هر اس از خشم همکاران دولتی که پشتشان ستر است. به هر روی ما این باری خواهیم روی همگرایی پافشاری کنیم، و فراخوان ما تنها برای